

ضرورت عقلی نماز در آموزه های اسلام

هاجر محمدی^۱

چکیده:

بی تردید، در میان عبادات و مسائل معنوی و ملکوتی، نماز از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است. به اندازه ای که به نماز سفارش شده به چیزی سفارش نشده است. نماز وصیت حضرت حق، و انبیا و امامان، و عارفان و عاشقان، و ناصحان و حکیمان است. کتابی از کتاب های آسمانی حق خالی از آیات مربوط به نماز نیست. از برنامه های بسیار مهم کتاب های عرفانی و اخلاقی و مخصوصاً کتب حدیث، نماز است. بررسی های مقدماتی نشان می دهد که به رغم اهمیتی که بحث نماز دارد؛ اما بررسی های محققانه ای در خصوص ضرورت عقلی وجوب نماز صورت نگرفته است لذا؛ در مقاله ی حاضر ابتدا به جایگاه نماز پرداخته شده است سپس مختصری درباره ی نماز در ادیان گذشته بیان شده است و در ادامه با بیان توضیحاتی درباره ی ضرورت عقلی و تعالیم و آموزه های اسلام و ضرورت وجوب نماز از دیدگاه عقل و وجدان، ضرورت وجوب نماز از دیدگاه آیات و روایات و ضرورت وجوب نماز از دیدگاه عالمان و بزرگان مطرح شده است و به روش کتابخانه ای و توصیفی به آن پرداخته شده؛ هم چنین مختصری از وظایف مسلمانان در خصوص نماز، اشاره و اینکه قرآن اقامه نماز را با چه معانی و در کنار کدام اعمال دیگر آورده است نیز بیان گردیده است و در کل با بررسی های محققانه درباره ی این ضرورت ما را در ضمن آگاهی بیشتر در قبال وجوب نماز و نقش ما در ایفای نماز را متذکر می شود.

کلید واژگان:

آموزه های اسلام، تعالیم دینی، صلاة، عبادت، عقل، نماز

مقدمه:

خداوند متعال نظام عالم را به عنوان نظام احسن با حکمت و علم و قدرت خود خلق کرد. تمام مصالح و مفاسد شیء را در نظر داشته و در قالب شریعت، احکام و قوانین آن را برای بشر فرو فرستاده است. نماز، یکی از عوامل الهی است که خداوند جامعه ایمانی و انسان دیندار را مکلف به انجام آن نموده و دلیل زندگی ایمانی و رهنمون کردن بشر به سوی رستگاری قرار داده، چنانکه در شرایع الهی پیشین هم آمده است.

این مقاله، البته مجال فهم چیستی فریضه نماز و احکام و آداب آن نیست؛ اما از جهت درک بیان مسائلی که در متن به آن پرداخته شده، طرح مباحثی چون چهارچوب کلی ضرورت عقلی نماز در آموزه‌های اسلام که در ادامه به تفصیل خواهد آمد.

انسان و جهان پیرامون آن در عصر حاضر چالش‌هایی بسیاری روبرو بوده و آسیب‌های اجتماعی و نزاع بر سر هویت، جامعه انسانی را دستخوش تغییرات بسیاری کرده کرامت و دینی خودشکوفایی انسان و ارزش‌های فرهنگی و با تهدیدهای جدی روبرو شده است. از سویی شرایع الهی برای ایجاد تعادل و توازن در ابعاد مختلف حیات بشری و تضمین سلامت و سعادت جاودانگی او نازل شده است. ساحت اجتماعی، بخشی از حقیقت وجودی بشر را تشکیل می‌دهد و از دین انتظار می‌رود تا با تدوین و ارائه چهارچوب نظری و عملی در این زمینه دست یافتن به حیات طیبه مطلوب را ممکن و ملموس سازد. این مقاله با مروری بر اصطلاحات و ضرورت‌های عقلی و دین درصدد است تا رهیافتی نظری و توسعه‌ای بر کاربست نظاممند، منطقی و حقانی مقوله دینی نماز ارائه دهد. از این رو، بی‌ادعا و بدون آنکه بخواهد این مقاله را به اهمیت و جایگاه نماز حصر نماید؛ به دنبال آن است تا با استفاده از مفاهیم اجتماعی، ضرورت نماز را در حوزه ارتباطات انسانی - اجتماعی مورد کاوش و جستجو قرار دهد.

نماز به عنوان یک مسئله عقلی و واجب دینی است که آحاد افراد جامعه ایمانی نسبت به آن مکلف هستند و از عظیم‌ترین فرایض و عبادات شرایع الهی به شمار می‌رود. فطرت انسان به سوی پرستش و عبودیت گرایش دارد و این گرایش در ادیان و مکاتب به گونه‌های مختلفی بروز کرده است. اسلام از یک سو، ما را به پرستش و تحقیق رهنمون می‌شود و از سوی دیگر، بر توحید و تعبد تاکید دارد. در نتیجه، تحقیق و پرسشگری درباره ضرورت نماز ما را با ابعاد مختلف حقیقت شریعت الهی اسلام بیشتر آشنا نموده و جنبه‌های توحید و عبودیت و توجه به خدا و انجام فرایض را تقویت می‌بخشد. در اسلام این خداوند است که چگونگی عبودیت و پرستش را تعریف می‌کند و نماز از وجود بارز این پرستش است که در آن تمام اعضا و جوارح و ابعاد روحی و ملکوتی انسان به کار گرفته می‌شود تا در برابر خداوند اظهار بنده چون چون شارع مقدس و عادل است و کیفیت نماز به گونه‌ای است که توانایی‌ها و نیازهای انسان در کنار هدف خلقت و هدایت تشریعی او را به سوی کمال

رهنمون شده و عبودیت به معنای واقعی در نماز تحقق می‌یابد علی (ع) فرمود: «مومن، بنای دین خود را بر رای و نظر شخصی نمی‌گذارد؛ بلکه بر اساس آنچه از پروردگارش رسیده، بنیان می‌نهد.^۱» این نکته می‌تواند اشاره مهمی برای پاسخ به سؤالاتی چون علت عربی خواندن نماز و تعداد رکعات و مانند آن باشد. هرچند حکمت‌ها و دلایلی در این قضایا هست که از حوصله این مقاله خارج است. صدوق در علل شرایط می‌نویسند: یکی از یاران امام صادق از ایشان سوال کرد چرا نماز واجب شد، در حالی که هم وقت می‌گیرند و هم انسان را به زحمت می‌اندازد؟ امام فرمود: «پیامبرانی آمدند و مردم را به آیین خود دعوت کردند، عده‌ای هم دین آنان را پذیرفتند؛ اما با مرگ آن پیامبران، نام و دین و یاد آنها از میان رفت. خداوند اراده فرمود که اسلام و نام پیامبر زنده بماند و این، از برکات نماز امکان‌پذیر است.^۲»

بر این اساس، نماز اگرچه جنبه تعبدی دارد؛ اما دارای مبنا و هدفی است که انجام آن از سوی بنده، تکلیف و توفیق به شما آمده و در راستای هدایت تشریعی خداوند قرارداد ولذا اگر چه تخلف از آن باعقوبت الهی همراه است و عمل به این فریضه در راستای تکالیف عبد است، اما خداوند بنا به قاعده لطف به کسی که این فریضه را انجام دهد، جزا هم می‌دهد. بخشی از توجه این جستاره به آثار و دستاوردهای نماز از جهت پاسخ به فلسفه و ضرورت فریضه نماز است، که با رویکرد به آیات قرآنی و روایات اهل بیت علیه السلام به آن پرداخته شده است. امید که، آثار عبودیت و تواضع و خشوع عملی به وسیله نماز در ابعاد مختلف زندگی ما در ما پدیدار گردد.

کنکاش درباره آثار و پیامدهای نماز در حوزه اجتماعی چرایی توفیق یا عدم توفیق در بهره‌برداری از برکات آن با رویکرد قرآنی -روایی از مسائل جدی این تحقیق است که کمتر به صورت مستقل بحث شده است. سوال این است که کدام رهیافت‌های نظری دغدغه ذهنی نماز گزاران در انجام این فریضه پاسخ می‌دهد.

مطابق با این امر، بحث اصلی تحقیق یعنی ضرورت نماز از دو حیث نظری (کلان) و عملی (کار کردی) مطرح و ضرورت عقلی وجوب نماز با توجه به وجدان و عقل و آیات و روایات و کلام عالمان بررسی شده است. آنچه به دست می‌آید آن که فریضه، اساس ثبات و تداوم حیات ایمانی، ضامن سلامت معنوی و عامل مقوم توسعه اجتماعی است و لذا پاسداشت احیای این فریضه الهی در سطح اجتماعی، باعث تعالی جامعه و ضامن امنیت و حرکت آن بر مدار آموزه‌های دینی و احکام الهی است.

۱- مجلسی، بی تا، ۳۰۹، ۶۹

۲- شیخ صدوق، بی تا، ۳۱۷، ۲

نماز به عنوان اصلی‌ترین نماد رفتاری - بینشی توحیدی با ارائه یک الگوی جامع توحیدی از زندگی مبنی بر پایه‌های ایمانی، در فراهم آمدن کمال اجتماعی و دست یافتن به جامعه توحیدی مطلوب دین، سهم بسزایی دارد که از آن جمله می‌توان به تعریف کار ویژه‌های محوری در حوزه تربیتی و تحکیم مناسبات اجتماعی، حضور فعال در حوزه سیاسی (حکومتی) و عمومی، تقویت ایده‌های تعالی انسانی و حفاظت از حریم الهی - انسانی اشاره کرد.

ضرورت و اهمیت نماز در اسلام بر هیچکس پوشیده نیست. به همین جهت تحقیقات فراوانی پیرامون این فریضه عظیم الهی صورت گرفته است که با رویکردها و روش‌های مختلف آن را مورد بررسی قرار داده و دارای یافته‌ها و مطالب بسیار ارزنده است. آثاری چون پرتوی از اسرار نماز (قرائتی) از ژرفای نماز (آیت الله خامنه‌ای) (آداب الصلاة) (امام خمینی) اسرار الصلاة (ملکی تبریزی) نماز و جامعه شناسی (وحدت پناه) از این نمونه است.

مفهوم شناسی:

نماز

نماز در لغت به معنای پرستش، نیاز، سجود، بندگی و اطاعت، خم شدن برای اظهار بندگی و اطاعت^۱ و یکی از فرایض دین و عبادت مخصوصی است که مسلمانان پنج نوبت در شبانه روز به جا می‌آورند. نماز یعنی خدمت و بندگی، فرمان برداری، سر فرو آوردن و تعظیم کردن به نشانه احترام. نماز، داروی نسیان و وسیله ذکر خداوند است. نماز رابطه معنوی مخلوق با خالق است. نماز یعنی دل کندن از مادیات و پرواز دادن روح، یعنی پا را فراتر از دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها نهادند.^۲

۱- المنجد: ۱۳۷۷، ج ۱، واژه صلاه/ ۶۰۳

۲- المفردات: ط دارل‌قلم، ج ۱، ص ۴۹۰

اهل لغت، صلوٰه را مشتق از تصلیه می دانند، به معنی مستقیم کردن چوبهای خمیده - (از طریق نزدیک کردن آنها به آتش و حرارت) است. ^۱گویی نمازگزار با توجه به مبدأ هستی و با حرارتی که در اثر صعود به سوی شمس حقیقت معنوی کسب می کند، کژی های نفس را که در اثر توجه به غیر خدا ایجاد شده است تعدیل می شود می نماید.

تعالیم یا آموزه های دینی به همه آموخته های دینی گفته می شود که با توجه به محتوا و کارکردهای آن به سه دسته (اعتقادات، اخلاقیات و احکام) تقسیم می شود.

واجب عقلی، مقابل واجب شرعی، به فعلی گفته می شود که وجودش عقلی است؛ یعنی عقل به طور مستقل بدون کمک گرفتن از شرع یا غیر مستقل با کمک گرفتن از شرع به وجود آن حکم می کند. وجوب عقلی، مقابل وجوب شرعی بوده است در این نوع وجوب، عقل حکومت را دست می گیرد، هرچند از شرع کمک می خواهد در مواردی که عقل به ملاک های شرعی قطع پیدا می کند، حکم عقل و شرع با یکدیگر مطابق است.

الف) ضرورت عقلی نماز از دیدگاه آیات:

اصل نماز و ضرورت و اهمیت آن، دارای دلایل و حکمت های مختلف روایی عقلی، تاریخی، فطری و... است. اما جزئیات اعمال و ارکان آن بر اساس آیات و روایات (شرع مقدس) تبیین شده است هرچند خود این اعمال و افعال نیز دارای فلسفه و حکمت های عقلی و ذوقی می باشند.

۱- عظمت و بزرگی آفریدگار و لزوم بزرگداشت و تکریم او، باعث می شود که ما را که ما او را پرستش و عبادت کنیم. خداوند مبدا همه عظمت ها و جلال ها و بزرگی است و هر اندازه او را بهتر بشناسیم و با عظمت و والا مرتبگی او آشنا شویم بیشتر او را می شناسیم و برایش نماز می خوانیم به عنوان مثال انسان در مقابل شخصیت برجسته و عالم بزرگ تواضع و فروتنی می کند و به او احترام فراوان می گذارد پس چه بهتر که در مقابل خدای بزرگ، توانا دانا و مهربان همیشه فروتن و خاکسپار باشیم.

۲- ما همواره، محتاج و نیازمند خدای بی نیاز و قدرتمند هستیم؛ چون ناتوان، عاجز و ضعیفیم تنها اوست که می تواند احتیاجات و نیازهای ما را برطرف کند. پس ما بندگی و اطاعت او را می کنیم و با نماز و عبادت کوچکی و بندگی خود را ابراز می داریم و البته بهترین راه اظهار بندگی، همین نماز و عبادت است، وگرنه چگونه می توانستیم عبودیت و اطاعت خود را ثابت کنیم؟!

برای انسان که دارای خرد و دانش محدودی است ممکن نیست چنین کتابی بیاورد که درباره مسائل بی‌شمار جهان هستی و زندگی انسان سخن گفته و از هر نوع ناسازگاری و اختلافی موسون است این هماهنگی و سازگاری خود نشان آن است که این کتاب منبع الهی دارد تعالیم دینی نباید با یافته‌های صریح عقلی ناسازگار باشد فیلسوف بزرگ اسلامی ملاصدرای شیرازی تصریح می‌کند که دین الهی با هیچ شناخت یقینی معارض نیست.^۱ نه فقط فلاسفه، بلکه فقها نیز برآنند که وقتی بین حکمی که از منبعی شرعی استخراج شده است با حکم قطعی عقل تعارض دیده شود، حکم عقلی مقدم است.^۲

نسبت ما با خدا و نماز مانند نسبت ما با خلق خدا است و قدردانی از خدمتی که به ما کرده‌اند. در نماز از همه چیزهایی که خدا به ما ارزانی داشته و بسیار گران‌قدرند - مانند حیات انسانی - سپاسگزاری می‌کنیم و از مردم نیز برای بعضی از امور قدردانی می‌کنیم و یادآور نعمت آنان بر خود می‌شویم. حتی اگر مسلمان نباشیم، احسان و نیکی دیگران مسئولیت تشکر را بر عهده ما می‌گذارد و این حقوق به نژاد و ملیت و رنگ و زبان و... انسان‌ها ربطی ندارد و فقط به انسان بودن انسان و معرفت و رسم همزیستی او مربوط است. حالا می‌پرسیم: چه کسی بیشتر از خدا بر ما حق مادی و معنوی دارد؟ او ما را از یک سلول آفرید و هر چه نیاز حیات بود از قبیل نور، حرارت، مکان، هوا، آب، اعضا، غرایز، قوا، طبیعت گسترده، گیاهان، حیوانات، هوش، عقل و عاطفه برایمان فراهم کرد و برای تربیت معنوی ما، رسولان خویش را فرستاد و احکام سعادت‌بخش مقدر کرد و حلال و حرام وضع نمود و حیات مادی و روحی ما را از هر جهت برخوردار از ابزار و وسایل کمال ساخت و همه شرایط رشد و به‌روزی و سعادت دنیوی و اخروی ما را فراهم آورد. چه کسی بیش از خداوند به ما نیکی کرده که بیش از او شایسته ادای حق باشد؟ اگر یک میلیونیم نعمت خدا را از کسی دریافت می‌کردیم، همه عمر مدیون و سپاسگزار او نبودیم؟ وظیفه وجدانی و انسانی ما ایجاب می‌کند که نعمت‌های الهی را شکر گوئیم و به شکرانه آن همه نیکی، نماز بخوانیم و او را بپرستیم. چراکه او آفریدگار ماست و ما هم او را عبادت می‌کنیم و بنده او هستیم. نماز تشکر از خداست و هر انسان عاقل و باوجدانی به لزوم نماز پی می‌برد.

۱- ملاصدرای الحکمت المتعالیه فی اسفارالعقلیه الاربعه، ۱۹۸۱ ج ۸، ص ۳۰۳

۲- انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ۱۴۱۹ ج ۱، ص ۷۵

نتیجه گیری:

ما معتقدیم احکامی که از دلیل و پشتوانه نقلی معتبر برخوردارند حکم خدایند و عین حق و حقیقت؛ یعنی اگر کارشناس دین و متخصص استنباط احکام گفت: نماز صبح را باید دو رکعت خواند و یا گوشت خوک را نباید خورد؛ عقلی که خدا، قرآن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیه السلام) را قبول دارد سخن را بی چون و چرا می پذیرد؛ زیرا می داند این باید و نبایدها را یک متخصص به شکل روشمند (علمی) از نقل معتبر (قرآن و روایات) به دست آورده است و چون این عقل، ایمان دارد که قرآن کلام خداست و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) هم سخنگوی خدایند؛ پس قبول می کند که این حکم حکم خداست. بنابراین خود را موظف به پذیرش آن می داند هرچند ممکن است افق فهم آن از دسترس عقل بشر بالاتر باشد. اما دلایل عقلی وجوب نماز:

اولاً: هدف از خواندن نماز انجام تکالیف شرعی و اطاعت از اوامر خداوند و عبادت او و اظهار بندگی است چرا که قرآن یکی از اهداف خلقت انسان را عبادت خداوند معرفی کرده و می فرماید: **وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ**.

یعنی: من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند. در نتیجه هدف از خواندن نماز همان هدف خلقت انسان که عبادت و تسلیم بودن در مقابل خداوند است می باشد بنابراین نماز می خوانیم. چون دستور خداوند است.

ثانیاً: حکمت عبادت‌هایی چون نماز را باید در فلسفه کلی عبادات و مناسک عبادی جستجو کرد. یکی از حکمت‌های تشریع احکام از طرف خداوند بر بندگان، امتحان کردن آنهاست. خداوند از بین بندگان، آنان را که روحیه اطاعت کامل دارند بر می‌گزیند و آنان که بی‌چون و چرا به فرمانهای خدایشان عمل می‌کنند در امتحان اطاعت از خدا نمره قبولی می‌گیرند.

این‌جا می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به اهمیت و سفارش قرآن و ائمه (علیهم‌السلام) به نماز و سفارش به رعایت آداب و احکام آن و توجه به باطن و با توجه به این که برای هر عملی و سخنی، صورت حقیقی و شکل باطنی وجود دارد و با در نظر گرفتن این که نماز محبوب‌ترین عبادت نزد خدا و بهترین وسیله برای تقرب است و با ذکر تأثیرگذاری هر عملی و گفتاری بر نفس و قلب آدمی و تأثیرگذاری آن بر حرکات و جهت‌گیری‌ها و در نهایت تعیین خط مشی و سعادت و شقاوت معلوم می‌شود که چرا خداوند نماز را واجب کرد و چرا نمی‌شود به جای نماز عملی دیگری را انجام داد. چون هر عملی اثر خودش را دارد و معلوم است هیچ عملی به اندازه نماز وسیله قرب به خداوند نیست.

با توجه به مطالبی که بیان شد، بررسی های که به روش کتابخانه ای و توصیفی درباره ضرورت عقلی نماز در این مقاله پرداخته شد معلوم می گردد که خداوند متعال نیازی به عبادت بندگان ندارد و اگر دستور به عبادت می دهد، بدلیل اثرگذاری هر عبادت در نفس آدمی برای کمال یابی و تقرب آدمی به خداوند است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هنگامی که وقت نماز می رسید، فرشته ای به مردم می گوید: ای مردم، برخیزید و آن آتش هایی که پشت سر خود (با گناهانتان) روشن کرده اید با نماز خاموش کنید.

پس معلوم می شود که اگر کسی نماز نخواند، هم گرفتار گناه می شود و هم گناهان قبل را از بین نبرده است و این چیزی جز غضب و عذاب الهی در پی ندارد.

منابع و مأخذ:

*قرآن مجید ترجمہ مہدی الہی قمشہ ای

*سید رضی، محمد بن حسین، نہج البلاغہ؛ محقق / مصحح: صالح، صبحی، انتشارات ہجرت، قم، ۱۴۱۴ هـ ق، چاپ اول

۱- ابن سینا، حسین بن عبداللہ (۱۴۰۵) الشفاء قم مکتبہ آیت اللہ مرعشی، چاپ اول

۲- انصاری، مرتضی، محمد بن امین؛ فرائد الاصول (۱۴۱۹) قم؛ انتشارات مجمع فکر اسلامی

۳- بروجردی، آیت اللہ حسین طباطبائی جامع الشیعہ، تالیف (۱۳۷۰ ق) مؤلف: ملایری، اسماعیل معزی

۴- حر عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۳ ق) وسائل الشیعہ نشر: بیروت دار لاجیا التراث، (۱۴۰۹ هـ ق) چاپ اول

۵ - حسن زاده، صادق، اسوہ عارفان انتشارات مومنین چاپ اول (۱۳۷۸)

۶ - خمینی، سید، روح اللہ (۱۳۸۷) توضیح المسائل، انتشارات گلی، چاپ اول.

۷- شیخ صدوق، ابن بابویه محمد بن علی، (۲۰۰۵ م) من لا یحضر الفقیہ، بیروت مؤسسہ علمی المطبوعات (سال ۱۴۱۳ ق)، محقق مصحح غفاری علی اکبر قم دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم (چاپ دوم)

۸ - صدیقی، مازندرانی، حسن، (۱۳۸۰) حیات عارفانہ ی فرزندگان، انتشارات میراث ماندگار، چاپ اول، سال (۱۳۸۰)

۹ (۱۳۸۰) چاپ دوم

۱۰- عمید، حسن، فرهنگ عمید (۱۳۷۵) انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم

۱۱- غمخوار، سید محمد جواد (۱۳۷۷) جایگاہ نماز در ادیان الہی. تہران دفتر نشر الف

۱۲- فیض کاشانی، محمد بن شاہ مرتضی بی تا) المحجہ البیضاء. جامعہ مدرسین فی الحوزہ العلمیہ قم. قم مؤسسہ النشر الاسلامی

۱۳- کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافی** ۳۲۹ ق. انتشارات دارالثقلین، مترجم  حسین استاد دولی (سال ۱۳۹۳) چاپ دوم 

۱۴- معلوف، لويس، **المنجد**، مترجم  قاسم بوستانی، انتشارات  موسسه الوفا، چاپ سوم، سال چاپ ۱۳۸۷

۱۵- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الانوار**، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ه ق، چاپ دوم

۱۶- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ه ش، چاپ سی و دوم

۱۷- مطهری، مرتضی (۱۳۵۴) **سیری در نهج البلاغه**، قم، انتشارات صدرا

۱۸- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷) **گفتارهای معنوی تهران و قم**، انتشارات صدرا، چاپ هجدهم

۱۹- ملا صدرا (صدرالدين محمد بن ابراهيم شیرازی)، **الحکمة المتعالیة فی الاسفارالعقلیة الاربعة**، انتشارات دار إحياء التراث، تاریخ نشر ۱۹۸۱ م 

۲۰- نوری، میرزا حسن، **مستدرک الوسائل** انتشارات  آل البيت لاحیا التراث  سال انتشار (۱۳۶۵) 